

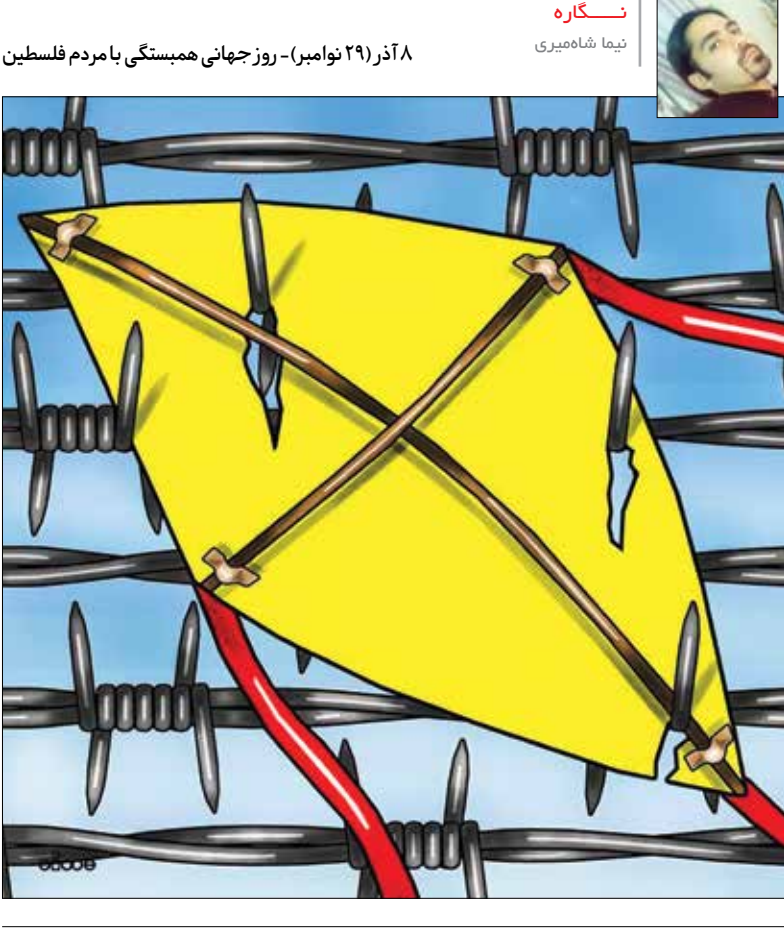
■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۷۸۵ ■ دوشنبه ۸ آذر ۱۴۰۰

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

آذان ظهر ۱/۵۳ | آذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۹ | آذان صبح فردا ۵/۲۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۵

<b>امام جواد(ع):</b>
با فضیلت‌ترین و ارزشمندترین عبادت‌ها آن است که خالص و بدون ریا باشد.
<b>سخن روز</b>
<b>بحارالانوار، ج۸، ص۲۴۵</b>



<b>هنرمندان در فضای مجازی</b>	
<b>در رصد فعالیت هنرمندان در فضای مجازی، نوشتن از بی‌آبی زاینده‌رود مرور روزهای روشن این مکان خاطرساز پست مشترک اهالی سینما در روز گذشته بود. حمیدرضا آذرنگ، بهرام رادان، نوید محمدزاده، شبنم مقدمی، محسن شریفیان، گلاب آدینه، مصطفی کیایی، فرهادی توحیدی، سارا بهرامی، تینا پاکروان، پرویز پرستویی، سهراب پورناظری و... از جمله هنرمندانی هستند که در این باره نوشتند.</b>	

**■ او عاشق تئاتر بود**
پرویز پورحسینی هفتم آذرماه سال گذشته بر اثر کرونا درگذشت. پسرش پورنگ همزمان با سالگرد درگذشت پدر، آخرین تصویر ثبت شده از او در بخش مراقبت‌های ویژه را به اشتراک گذاشت و نوشت: «پدر می‌هیج ادعایی نهایت مهربان بودن و مسئولیت‌پذیر، و دغدغه حال شاگردانشان را داشتند، به گونه‌ای که گویی تمامی شاگردانش و جوانان عاشق تئاتر، حکم فرزندانش را داشتند... او برای من نه یک پدر، بلکه الگویی بود برای خوب زیستن... پدر خیلی آرام بود و پرقدتر، آنگونه که تخت بیمارستان و درگیر شدن با ویروس‌ی اهرمینی، تا آخرین لحظه‌ها هم نتوانست آرامش و نیروی درونی او را به چالش بکشد. در آخرین دیدار، مطابق تمامی روزهای اقامتش در بیمارستان، تمامی وجود مهربانشان را غرق در بوسه کردم، تا بامداد هفتم آذرماه سال درد و اندوه، که قلب مهربانشان از تپیدن ایستاد...»

<b>چهره‌ها</b>	
<b>رامبد جوان</b> در یک برنامه تبلیغاتی برای یک رژیم غذایی، به گرانی کالاهای اساسی اشاره می‌کند و به مخاطبانش می‌گوید که با توجه به این شرایط می‌توانی رژیم بگیری و این‌طوری از هزینه‌های اضافی هم جلوگیری می‌کنی! این ویدیو در روز دو گذشته با واکنش منفی بسیاری از کاربران مواجه شده است.	
<b>دانش اقباشاوی</b> در راستای سلسله پست‌هایی که در معرفی فیلم‌ها و آثار برگزیده از نگاه خودش منتشر می‌کند تماشای فیلم «کلاه‌خود فولادی» را توصیه کرده است: «از امثال فیلم سینمایی جنگی و کم‌هزینه «کلاه‌خود فولادی» ساخته سام فولر بی‌باک و خیره‌سره می‌توان الگوی تولید آثار جنگی ارزان، با کیفیت و ماندگار، برداشت کرد. کافی است به ارقام هزینه و درآمد فیلم نگاهی بیندازیم. هزینه تولید فیلم: یکصد و چهار هزار دلار، درآمد از گیشه سینما: دو میلیون دلار، فیلمی کوچک، حماسی و بخارآلود؛ به همراه ابرچاد نوآوری در داستان و کارگردانی فیلم»	
<b>رسول صدرعاملی</b> نیز بخشی از فیلم «زوربای یونانی» برگرفته از رمانی به همین نام نوشته نیکوس کاوانتزاکیس به کارگردانی مایکل آکوبانیس را منتشر کرده و در توضیح انتشار این ویدیو آورده است: «بسیاری از تحلیلگران، رقص آنتونی کوپین در صحنه پایانی فیلم «زوربای یونانی» را زیباترین و تأثیر گذارترین رقصی می‌دانند که تاکنون بر پرده سینما جان گرفته است، این دو در اوج شکست و ناامیدی می‌رقصند تا تسلیم نشوند، بی‌آنکه بخواهند تلخی حادثه را با دلایل اخلاقی یا منطقی توجیه کنند. از خلال چنین رویکردی است که «فردیت و آزادی» معنا می‌یابد و نتیجه‌اش «تأیید دیونیزی» زندگی در دشواری‌ترین شرایط است.»	
<b>سجاد افشاریان</b> در صفحه اینستاگرامش پستی در حمایت از آبادانی و بهبود وضعیت زندگی مردم در مناطق محروم بویژه سیستان و بلوچستان منتشر کرده و با معرفی یک مؤسسه برای این منظور نوشته: «ماهی‌ها خوب می‌دانند دلِ کودکانِ این سرزمین همچون دریاست.»	

### نگاره

تیم شاه‌میری



<b>حمیدرضا نعیمی: استقبال مردم از «منصور» مشوق سینماگران برای ساخت چنین آثاری است</b>	
<b>اهمیت فیلم «منصور» صرفاً به خاطر برداختن هنرمندانه به یک شخصیت تاریخی مثل شهید ستاری نیست. «منصور» فیلمی است قائم به ذات و به‌عنوان یک فیلم فارغ از محتوای ارزشمندش هم اثری قابل توجه است. به‌عنوان یک اثر سینمایی استاندارد، کارگردانی، فیلمنامه، تدوین و بازی‌های درخشان دارد. استقبال خوب مردم از اکران این فیلم، سایر نویسندگان و فیلمسازان ما را تشویق می‌کند که از ساخت چنین آثاری غافل نشوند. اکنون که بیش از سه دهه از جنگ تحمیلی گذشته و از آن وقایع فاصله گرفته‌ایم، بایسته و شایسته است که رویکرد و نگاهمان را نسبت به موضوعات جنگی و شخصیت‌های آن تغییر دهیم و فقط با یک برداشت یک‌سویه به سمت آنها نرویم.</b>	
<i>بخشی از گفته‌های باز یگر نقش سرهنگ حیدر صفدری در فیلم منصور / ایستا</i>	



## رسانه‌ها حقایق مربوط به واکسن را بیان کنند

رسانه وسیله‌ای است برای این‌که یکسری پیام‌ها را به مخاطبانش برساند. البته این موضوع شامل حال رسانه‌های جمعی است، طبیعتاً اگر رسانه‌ها به شیوه‌های مختلف و کارآمد و قابل دسترس همانند خبر، گزارش یا مصاحبه با متخصصین در حوزه واکسن و ضرورت انجام آن برای کسانی که هنوز واکسن نزده‌اند صحبت کنند، مسلماً تأثیر مناسب و مؤثری روی قشر مردم خواهد داشت. البته باید به این نکته توجه داشته باشند که این برنامه‌ها باید جنبه‌های مختلف واکسیناسیون را منعکس کنند و حتماً باید بخشی از آن به این بپردازد که افرادی که واکسن نزده‌اند چه اتفاقاتی در انتظارشان است و از سوی دیگر تمام موارد مثبت واکسن را بگویند و پوشش دهند، در این صورت اطلاع‌رسانی از سوی رسانه تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت. در حقیقت رسانه باید تمام جنبه‌های یک موضوع را به مخاطب نشان دهد حتی نظرات مخالف را منتشر کنند تا مخاطب بتواند به درستی تصمیم بگیرد. اکنون از نظر علمی ثابت شده است که واکسن زدن جلوی مخاطرات را می‌گیرد. رسانه‌ها با شیوه‌های مختلف می‌توانند مخاطبان را به واکسن زدن ترغیب کنند. البته

### یادداشت



جوریه دهقان شاد استاد علوم ارتباطات

را منعکس کنند و حتماً باید بخشی از آن به این بپردازد که افرادی که واکسن نزده‌اند چه اتفاقاتی در انتظارشان است و از سوی دیگر تمام موارد مثبت واکسن را بگویند و پوشش دهند، در این صورت اطلاع‌رسانی از سوی رسانه تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت.

در حقیقت رسانه باید تمام جنبه‌های یک موضوع را به مخاطب نشان دهد حتی نظرات مخالف را منتشر کنند تا مخاطب بتواند به درستی تصمیم بگیرد. اکنون از نظر علمی ثابت شده است که واکسن زدن جلوی مخاطرات را می‌گیرد. رسانه‌ها با شیوه‌های مختلف می‌توانند مخاطبان را به واکسن زدن ترغیب کنند. البته

#### چگونه «آقای قناصه؛ خانم گرینف» کتاب شد

وقتی نوشتن را برمی‌گزینی خواسته یا ناخواسته منتشر شدن و در معرض قضاوت قرارگرفتن را هم با آن برگزیده‌ای. حالا در روزگار شبکه‌های اجتماعی و پیشرفت لحظه‌به‌لحظه تکنولوژی که گوشی هوشمند، بی‌رقیب، دستان همه را پروده است سخت است نوشته‌ای را آن هم روی کاغذ، چه روزنامه و چه کتاب به دستان مخاطب بسپاری. میدان سختی است رقابت میان هر چیزی با گوشی هوشمند. ما

روزنامه‌نگاران در این سال‌ها به بویژه با گران و گران‌تر شدن کاغذ این مسأله را لمس کرده‌ایم و آرام‌آرام به حاشیه رفتن شغلمان را حس کردیم. حال تصور کنید از دنیای مطبوعات بخواهید وارد دنیای ادبیات بشوید. تیراز کتاب هم هیچ‌گاه بهتر از مطبوعات نبود. حال در روزگاری نفس می‌کشیم که در بهترین حالت اگر بتوانید از سد خیلی از موانع بگذرید در بهترین حالت کتاب را با تیراز ۳۰۰ تا ۵۰۰ نسخه چاپ می‌کنند تا روانه بازار شود. حالا تصور کنید که این تعداد نسخه چگونه قرار است توزیع شود که احیاناً مخاطب در کتابفروشی‌ها بتواند آن را میان عناوین مختلف ببیند و احیاناً انتخاب کند. حکایت به چاپ رسیدن «آقای قناصه؛ خانم گرینف»

فارغ از ماجرای چگونه گردآمدن ۱۱ داستان کوتاه درون آن، خود می‌تواند داستانی شود. داستانی که یک فصل آن آموختن چگونه نوشتن در استان نوشته‌ها و کسب تأیید آن است. تا همین جای کار وقتی داستانی را اسادات تأیید می‌کند و دلت می‌خواهد همان یک داستان منتشر شود لذت انتشار آن در مجله‌های «آرما» یا «کرگدن» قابل وصف نیست. نخستین داستان کوتاهی که تأیید استاد داشت و آزما منتشرش کرد همین داستان «آقای قناصه؛ خانم گرینف» بود که خاطره‌اش سبب شد این مجموعه هم همین عنوان را به خود بگیرد. گرچه «علیرضا بهنام»، شاعر و نویسنده درباره عنوان این کتاب می‌گوید: «بهتر بود برخلاف تیتَر در مطبوعات که ماهیت را نمایان می‌کند عنوان بهتری برای کتاب در نظر گرفته می‌شد که استعاره نهان‌تری می‌بود.» اما این داستان ادامه دارد. فصل دیگر، گردآوری و بعد فصل بسیار سخت یافتن ناشر و جلب رضایت اوست. تازه اگر ناشر بعد از پذیرش نوشته‌ها بر جدال حاکم بر بازار کاغذ که هر روز به تناسب بالا و پایین رفتن دلار غلبه کند فصل بسیار پیچیده‌ای پیش روست و آن این است که چنین تیرازی چگونه و کجا توزیع شود که به چشم مخاطب بیاید. آن هم مجموعه داستان کوتاه که به قول «آتوسا زرنگارزاده شیرازی» نویسنده رمان «حالم قرن چندم تو است»، مجموعه داستان برخلاف رمان مخاطب خاص دارد و در نتیجه بازار محدودتری دارد. یازده داستان «خورشت سبزی»، «چشم‌های»، «شب چهل و چهارم»، «مرد»، «آقای قناصه؛ خانم گرینف»، «فردای پیروزی»، «ساعت مچی»، «تسبیح شاه‌مقصود»، «پرورنده»، «دادگاه» و «من و سپیده» مجموعه‌ای کارگاہی است که در حدود ۳ سال نوشته و گردآوری شدند. به لطف روزنامه‌نگار بودن و آشنایی با افراد مختلف، آنها را پس از تأیید اولیه خانم زرنگارزاده برای خانم «پژند سلیمانی» مدیر انتشارات چارسو فرستادم و پس از تأیید او مدتی هم کسب مجوز و سپس انتشار آن به‌طور انجامید. با وجودی که تقریباً حدود ۶ ماه این روند به طول انجامید حالا که کتاب روانه بازار شده وقتی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارم و در میان این همه عناوین مختلف نمی‌توانم مجموعه داستان خود را پیدا کنی تازه می‌فهمی نوشتن ساده‌ترین بخش ماجرا بوده است!

■ **آقای قناصه؛ خانم گرینف**

■ **سینا قنبرپور**

■ **نشر چارسو**

#### حمیدرضا نعیمی: استقبال مردم از «منصور» مشوق سینماگران

#### برای ساخت چنین آثاری است

**اهمیت فیلم «منصور» صرفاً به خاطر برداختن هنرمندانه به یک شخصیت تاریخی مثل شهید ستاری نیست. «منصور» فیلمی است قائم به ذات و به‌عنوان یک فیلم فارغ از محتوای ارزشمندش هم اثری قابل توجه است. به‌عنوان یک اثر سینمایی استاندارد، کارگردانی، فیلمنامه، تدوین و بازی‌های درخشان دارد. استقبال خوب مردم از اکران این فیلم، سایر نویسندگان و فیلمسازان ما را تشویق می‌کند که از ساخت چنین آثاری غافل نشوند. اکنون که بیش از سه دهه از جنگ تحمیلی گذشته و از آن وقایع فاصله گرفته‌ایم، بایسته و شایسته است که رویکرد و نگاهمان را نسبت به موضوعات جنگی و شخصیت‌های آن تغییر دهیم و فقط با یک برداشت یک‌سویه به سمت آنها نرویم.**

*بخشی از گفته‌های باز یگر نقش سرهنگ حیدر صفدری در فیلم منصور / ایستا*

#### آزادسازی بستان فتح الفتوح رزمندگان

نیمه‌های شب عملیات بارمز «یا حسین(ع)» شروع شد. یکی از محورهای اصلی به دو گردان از نیروهای اهوازی و کرمانی واگذار شده بود. گردان اهوازی‌ها به فرماندهی حسین کلاه‌کج مأمور شکستن خط اول بود. بعد از آن و پس از پاک‌سازی خط اول، باید کرمانی‌ها به فرماندهی قاسم سلیمانی وارد

عمل می‌شدند و خط دوم دشمن را مورد هجوم قرار داده به سمت پل سابله پیشروی می‌کردند. اما بر اثر اشتباه بدلجی گروهان شهید باهنر، نیروهای اهوازی سر از میدان مین درآوردند و زمینگیر شدند. در همان دقیقاً اولیه چندین رزمنده اهوازی به شهادت رسیدند و تعداد بیشتری نیز بشدت زخمی شدند. فرصت و امکان باز کردن معبر نبود، نیروها زیر دید و آتش دشمن بودند و باید بسرعت آنجا به سمت خاکریزهای دشمن ترک می‌کردند. ناگزیر برای ایجاد معبر باید چاره دیگری اندیشیده می‌شد. در این هنگام در تاریکی شب صدای پیچچه‌ای پیچید. بچه‌های اهواز از بین خودشان چند نفر را انتخاب کردند تا روی مین بروند و راهی برای عبور گردان بگشایند. افرادی همچون مهدی حجت از بچه‌های کرمان وقتی متوجه موضوع شدند هرچه اصرار کردند که ما روی مین می‌رویم، ولی آن شب رزمندگان گردان بالایی اهواز فرصت انتخاب آگاهانه شهادت را به کرمانی‌ها ندادند. نفرت داوطلب قرار شد به نوبت روی مین بروند تا راه کاملاً باز شود. ناگهان فریاد یاحسین(ع) به گوش رسید و بلافاصله صدای انفجار بلند شد. بچه‌های اهواز روی مین رفته بودند و متعاقب آن راه باز شده وستون به حرکت درآمد. محنتی مؤذن زاده



یکی از رزمندگان حاضر در آن صحنه می‌گوید: «بالاخره معبر باز شد و فرمان حرکت دادند. از سیم خاردارها رد شدیم. هر دو تا سه متر، یکی از بچه‌های اهوازی افتاده بود. وضع دلخراشی بود. کنار یکی از آنها که هنوز زنده بود نشستم. قصد داشتم او را که دوبایش قطع شده بود، عقب ببرم ولی اجازه ندا. تأکید کرد که بسرعت خودت را به خاکریز برسان. ناچار حرکت کردم و بسرعت به سمت خاکریز دشمن ادامه مسیر دادم. مجروحان که هنوز شهید نشده بودند روی زمین مانده بودند. در آن تاریکی پاها و دست‌های قطع شده به چشم می‌خورد. مجروحان ذکرمی گفتند و گاهی ناله می‌کردند.»

نیروهای پیاده دشمن روی خاکریز اول و نیروهای زرهی آنها روی خاکریز دوم مستقر بودند. نبرد در محور جنوب کرخه به اوج رسیده بود. عراقی‌ها قصد نداشتند حتی به یک نفر از رزمندگان اجازه نزدیک شدن به خاکریزشان را بدهند. هر لحظه یکی از افراد گردان روی زمین می‌افتاد، علاوه بر تیربارها، دشمن با انواع و اقسام سلاح‌های کوچک و بزرگ منطقه را می‌کوبید. غلام فخاری، رزمنده هرمزگانی و فرمانده یکی از گروهان‌ها در ارتباط با مشاهدات خود در آن شب می‌گوید: «در آن زمان که حدود ساعت ۳۰ دقیقه بامداد بود کسی به کسی نبود. در شرایطی که تیربارها امکان پیشروی را از نیروهای گردان سلب کرده بودند و با گذشت زمان بر تعداد شهدا و مجروحان گردان افزوده می‌شد.» علی محمدی یکی دیگر از رزمندگان حاضر در صحنه در این رابطه می‌افزاید: «یک تانک مرتب شلیک می‌کرد. خیلی دلم می‌خواست بزنمش. یکی از بچه‌ها فریاد زد: «بیا این را بزنیم» آتشی که این یک تانک می‌ریخت عجیب بود. به‌قدری شلیک کرده بود که لوله تانک جرقه می‌زد.» سرانجام با جانفشانی‌های رزمندگان خط شکسته می‌شود و عملیات طریق‌القدس در منطقه عمومی سوسنگرد به سمت بستان و هدف انهدام قوای دشمن و بازپس گرفتن و آزادسازی شهر بستان و به عقب راندن دشمن متجاوز و تلاش در جهت فاصله انداختن بین جبهه شمالی و جنوبی عراق در منطقه خوزستان صورت می‌گیرد. دشمن متجاوز در اوایل جنگ تحمیلی با اشغال بستان و ۷۰ روستای اطراف آن حنایان بی‌شماری را در این منطقه مرتکب شد. نیروهای بعثی پس از تصرف بستان و ادامه پیشروی خود، شهر سوسنگرد را نیز برای مدت کوتاهی به تصرف درآوردند. تا اینکه ضمن عملیات طریق‌القدس (۸ آذر ۱۳۶۰)، بستان و ۷۰ روستای تابعه آن به تصرف رزمندگان اسلام درآمد و منطقه به‌طور کامل از لوث وجود دشمن اشغالگر پاکسازی شده و زمینه راهایی خرمشهر عزیز از اشغال حرامیان بعثی فراهم آمد. عملیات طریق‌القدس از چنان اهمیتی برخوردار بود که امام خمینی (ره) در پیام تبریک خود آن را «فتح‌الفتوح» نامید.



هیچ نویسنده‌ای، حتی ماهر تریشنان هم نمی‌تواند به کمک کلمه‌ها جریان زندگی را دوباره به تصویر بکشد.

افسانه اکئون، روث اورگی

مهدیه عباسپور، نشر نیماژ

### نکته

**اسماعیل علوی**

دبیر گروه یاداری

### عکس نوشت

■ **مشیر دیوان» از بناهای مشهور تاریخی، به جای مانده از دوره قاجار که بر مبنای معماری اصیل ایرانی در سنجند ساخته شده است. این عمارت در زمان خود متعلق به فردی به نام میرزا یوسف مشیر دیوان، جانشین حاکم وقت گروستان بوده است. امیراث آریا**

